

بررسی حقوقی یادگار پرستی اجساد بر تبیین جرم شناسی جرایم علیه مردگان

مهرداد گلستان

باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان، واحد میمه، دانشگاه آزاد اسلامی، میمه، ایران

trade_lawyer@yahoo.com

چکیده

یکی از انواع نابهنجاری‌های جنسی یادگار پرستی اجساد می‌باشد. این اختلال در قالب فعل گونه‌های متعددی می‌یابد، که به این وسیله جرایم علیه مردگان را تحت الشعاع قرار می‌دهد. در این نوشتار، پاسخ به سوالات و اهداف مهمی از جمله: جرایم مرتبط با مردگان چه گونه‌هایی دارد؟ ارتباط یادگار پرستی اجساد با جرایم علیه مردگان به چه نحوی است؟ جایگاه حقوق و جرم شناسی در سایه تبیین روانشناسی اختلال، و ارتباط آن با جنایت علیه مردگان به چه صورت است؟ پاسخ به این سوالات ایجاب به تجزیه و تحلیل مبادی مطروحه، به انضمام و اتخاذ رویکردی مطالعاتی در دیدگان تحقیقاتی، ما را به جایگاهی می‌رساند که در صورت وجود شرایط و مقتضیات؛ این گونه اختلال را به مبادی علل رافع مسئولیت کیفری مرتبط دانسته، و بدین سبب مجازات را از عمل وی ساقط و به جای آن اقدامات تأمینی و تربیتی را جایگزین کرده تا با این هدف، رویکردی جدید به تفکر حقوقی احراز نماییم. و از این روش، جرایم را با عنایت به صبغه و اسباب و عللی که مجرم را به جایگاه مجرمیت رسانده، تبیین نماییم.

کلید واژه: یادگار پرستی اجساد، جرایم علیه مردگان، جرم شناسی

Legal Review of Necrophilia within the Purview of Criminology of Crimes against the Dead

Mehrdad Golestan

Iran Meymeh Islamic Azad University- Meymeh Branch Young Researchers and Elite Club

trade_lawyer@yahoo.com

Abstract

Necrophilia is one of the sexual deviations. This disorder shows itself as different forms of action and covers a variety of wrongdoings against the dead. In this article, we aim to find answers to questions including: what are the different kinds of dead-related crimes? What is the relation between necrophilia and crimes against the dead? What is the place of law and criminology in the shadow of disorder psychology explanations and how is it related to crime against the dead? Trying to answer these questions, we may arrive through an analysis of the related principles to circumstances which mitigate criminal liability, provided some conditions are fulfilled. Hence punishments can be replaced with security and educational measures and we could attain to a new approach in legal thought. In this way, we will explain these crimes with respect to the nature, causes and reasons that lead the perpetrator to position he/she is in.

Keywords: Necrophilia, Crimes against the Dead, Criminology

مقدمه

ریشه جرم و جنایت را می‌توان تا سپیده دم تاریخ بشری به واپس برد. از آن هنگامی که آدم و حوا به علت ارتکاب عمل نهی شده‌ای چون خوردن گندم یا سیب از بهشت رانده شدند، و پسرشان قابیل برادر خود هابیل را به قتل رساند، جرم آغاز راه کرد و از آن زمانی که آدمی با نگاهی حیرتناک و پرسش آمیز، صحنه دریده شدن بره آهوئی گریزپا را در چنگ دندان جانوری برافروخته از هراس گرسنگی دید، شالوده جامعه جرم آفرین نیز ریخته شد. از آن لحظه دردناک تاریخی به این سو، جنایت همان جنایت باقی ماند؛ اما همواره رنگ عوض کرد و سایه خود را بر گسترده گیتی افکند. اینک ما روز به روز شاهد، گسترش تبهکاری هستیم و در دنیایی زندگی می‌کنیم که با هوس‌ها و ناپهنجاری‌های جنسی، قتل، آدم ربایی و ... آمیخته گردیده است و امنیت انسان معاصر را تهدید می‌کند و هیچ روزی نیست که در روزنامه‌ها و رسانه‌های گروهی از جرم و جنایت گفته نشود و خبرهای هیجان انگیز درباره آدم کشی، دزدی، خودکشی و ... در راس خبرها نباشد! افزایش جرم در شهرهای بزرگ به حدی رسیده است که آرامش جای خود را به بحران سپرده و به تدریج واژه امنیت و آسایش در بسیاری موارد اعتبار خود را از دست داده است. ریشه اصلی رفتارهای جنایی را باید در کل زندگی اجتماعی و نوع خاص روابط انسانی جستجوی کرد. انواع نابسامانی‌های اقتصادی - اجتماعی چون فقر، تورم و گرانی، بیکاری، فقدان امنیت مالی و حقوقی و سایر عواملی که باعث «محرومیت» می‌شود، زمینه مناسبی را برای ارتکاب جرم فراهم می‌آورد.

درباره اینکه چرا در جامعه، جرم و جنایت روز به روز زیادتر می‌شود و چرا تبهکاری رواج می‌یابد جرم‌شناسان می‌گویند: این همه ریشه در آزمندی انسان روزگار ما دارد و علمای علم اخلاق گناه جرم آفرینی را به گردن زمانه بی رحم و فسادپذیر می‌اندازند و جامعه‌شناسان از ناهمترازی طبقات اجتماعی و کشمکش فقر و ثروت سخن می‌گویند و جرم آفرینی را تبلور خشم و انتقام سرخوردگان جامعه از طلایه داران سرمایه می‌دانند و بالاخره روان‌شناسان جنایی، تبهکار را در حکم بیماری می‌دانند که تحت تاثیر انگیزه‌های درونی و شرایط خاص محیطی دست به ارتکاب جرم زده است.

باید به مساله با دید علمی نگریست و گفتن اینکه «انسان مختار و مسئول رفتارهای نیک و بد خویش است و باید مجازات شود» کافی نیست. امروزه به اثبات رسیده که تبهکاری در اثر عوامل مختلف ارثی، روانی، فرهنگی، اجتماعی و شرایط خاص محیطی به وقوع می‌پیوندد و عامل مجازات تاثیر چندانی در کاهش آن ندارد؛ زیرا در اجتماعات بشری همه چیز نسبی است خوب خوب یا بد بد وجود ندارد. در شرایط زمانی و مکانی مخصوص و معین ممکن است دانا، آگاه و توانگری مرتکب جنایت گردد و بیچاره، بینوا و محرومی از جنایت بهره‌یزد و یا در صورت ارتکاب جنایت، اصلاح شود و به نیکی گراید، زیرا بنا به گفته تولستوی: «در روح هر فرد مجرم هم بارقه‌ای از نور الهی وجود دارد که ممکن است او را به راه راست راهنمایی کند».

اگر فزونی روزافزون بیماران روانی و کسانی را که بر اثر ناراحتی‌های زندگی و فشارهای ساختاری خودکشی می‌کنند و یا مرتکب قتل می‌شوند، در نظر آوریم، می‌بینیم که بی نظمی فکری و سرکشی در جامعه حکم فرماست و هنر اعتدال و خویشنداری و میانه روی که نشانه جامعه نیکبخت است از میان رفته است و اگر برای این نظام گسیختگی اجتماعی فکری بیندیشیم و تدبیری به کار نبندیم و راه‌کارهایی نیابیم، بیم آن می‌رود که شمار تبهکاران و بیماران روانی و ... باز هم افزایش یابد و جامعه را به نابسامانی کشاند.

در این نوشتار، اختلال مرده پرستی که نوعی انحراف جنسی است از دیدگان و تبلوری حقوقی، جرم‌شناسی مورد تبیین روانشناسی قرار می‌گیرد، و بدین وسیله ابعاد حاکم بر فعل، ویژگی و ... مورد احراز واقع می‌نماید. تا بدین سبب وجه‌ای از

جنایت بر علیه مردگان که متجلی در عمل یادگار پرستی اجساد است، مورد امعان نظر قرار گرفته و در نهایت اقدامات تامینی لازم بر اساس آموزه‌های جرم شناسی منظور گردد.

۱) نابهنجاری‌های جنسی

۱.۱) تعریف

برای تعریف جامع و مانعی از انحراف جنسی، ضابطه‌ای دقیق و جهانی در دست نیست. در این زمینه جامعه شناسان، زیست شناسان، علمای علم اخلاق و روان شناسان و روان پزشکان با یکدیگر توافق کامل و کلی ندارند. جامعه شناسان چنان چه لذت یا ارضای جنسی مورد قبول و تایید جامعه نباشد آن را انحراف می‌دانند. [کوئن، ۱۳۹۲]. زیست شناسان در رابطه جنسی فقط به تولید مثل و بقای نوع توجه دارند و هرگونه آمیزش جنسی که در راه نیل به این هدف نباشد، از نظر آنان انحراف محسوب خواهد شد. بنظر روان شناسان، هر گونه ارضای میل جنسی که هدفش خارج از حیطه تولید مثل باشد، انحراف جنسی نامیده می‌شود.

علمای علم اخلاق، به هر نوع ارضای جنسی که مورد نکوهش قرار گیرد و بلافاصله به فرد ندامت دست دهد، انحراف جنسی گویند. به نظر اخلاقیون کسی که بر خلاف تکلیف اخلاقی مرتکب خلاف می‌شود، دچار ندامت و پشیمانی می‌گردد و خود را خوشبخت و سعادت نمی‌یابد.

انحراف جنسی از نظر روان پزشکی عبارت از، اعمال غیر عادی و نابهنجاری است که منحرفان جنسی برای ارضای خاطر جنسی خود مرتکب می‌شوند و این اعمال دارای مبادی و ریشه‌های روانی است.

به طور کلی تعریف انحراف جنسی شامل هرگونه رفتار جنسی است که با معیارهای کم و بیش مورد قبول جامعه مغایرت داشته باشد و منحرف جنسی به کسی می‌گویند که یا کیفیت، و یا هدف کشش جنسی او غیر طبیعی تلقی شود. فرد منحرف فردی است که در برقراری رابطه جنسی طبیعی یا رضایت بخش با فرد رسیده و بالغ از هم نوع خود مشکلاتی داشته باشد. بنا به عقیده مارمور^۱ اعمال فرد منحرف نشان دهنده روش‌های جانشین شونده‌ای است که در راه دستیابی به ارضای جنسی انجام می‌پذیرد.

۱. Marmour

۲.۱) انواع ناپهنجاری‌های جنسی

ناپهنجاری‌های جنسی به سه طبقه تقسیم می‌شوند:

- ۱.۲.۱) انگیختگی و ترجیح جنسی نسبت به موضوعات غیر انسانی، از جمله یادگار پرستی^۱ و مبدل پوشی^۲.
- ۲.۲.۱) انگیختگی و ترجیح جنسی نسبت به موقعیت‌هایی که رنج و تحقیر را شامل می‌شوند، از جمله آزارگری^۳ و آزار طلبی^۴.
- ۳.۲.۱) انگیختگی و ترجیح جنسی نسبت به شریکان ناراضی، از جمله بدن‌نمایی^۵، تماشاجری جنسی^۶، هرزه‌درایی تلفنی^۷، و تعرض جنسی به کودکان^۸.

۲) یادگار پرستی

۱.۲) تعریف

یادگار پرستی به معنی آن است که فرد به وسیله^۱ یک موضوع بی‌جان تحریک جنسی می‌شود. در بسیاری از موارد، این عمل می‌تواند بی‌ضرر باشد. برای مثال، شورت زنان برای بسیاری از مردان برانگیزنده است. وقتی که یک مرد در مدت آمیزش جنسی با زنی که متقابلاً راضی است از شورت زنانه حرف می‌زند یا درباره^۲ آن خیال پردازی می‌کند، این عمل می‌تواند به افزایش انگیختگی منجر شود. ولی معمولاً شریک چنین فردی احساس می‌کند که او نادیده گرفته شده است؛ چنانچه لباس زیری که زن می‌پوشد جای او را بگیرد، و شریک جنسی او تا وقتی که وی آن را نپوشیده باشد نتواند تحریک شود، این موضوع دیگر وسیله‌ای برای برانگیختن نیست بلکه هدف برانگیختگی است. [روزنهان، سلیگمن، ۱۳۹۲].

Archive of SID

۱. یادگار پرستی به معنای آن است که فرد به وسیله^۱ یک موضوع بی‌جان تحریک جنسی می‌شود.
۲. مبدل پوشی زمانی رخ می‌دهد که مرد برای رسیدن به تحریک جنسی به کرات لباس زنان را می‌پوشد.
۳. آزارگری به ناپهنجاری گفته می‌شود که فرد با وارد آوردن رنج یا تحقیر جسمانی یا روانی بر فردی دیگر تحریک جنسی می‌شود.
۴. آزار طلبی به ناپهنجاری گفته می‌شود که فرد با وارد شدن رنج یا تحقیر بر او، تحریک جنسی می‌شود.
۵. بدن‌نمایی عبارت است از نشان دادن اندام‌های تناسلی به افراد غریبه^۳ بی‌اطلاع و معمولاً بی‌میل.
۶. تماشاجری جنسی عبارت است از مشاهده^۴ بدن عریان فردی که لباس خود را در می‌آورد.
۷. هرزه‌درایی تلفنی عبارت از تمایلات جنسی مکرر و شدید در تلفن کردن‌های مضمض کننده و مبتذل به فردی ناراضی.
۸. تعرض جنسی به کودکان (بچه‌بازی) عبارت است از روابط جنسی با کودکان زیر سن بلوغ.

۲.۲ انواع

رایج ترین یادگارها عبارتند از:

لباس زیر، کفش، و چکمه^۱ زنانه، بافت‌هایی نظیر لاستیک، خز، ابریشم، و مخمل، اجزای بدن زن مانند پا، مو، گوش‌ها، و چشم‌ها. یادگارهای نادرتر عبارتند از مدفوع انسان^۱، ادرار انسان^۲، کثیفی^۳، حیوانات^۴، و حتی اجساد^۵.

۳ یادگار پرستی اجساد

۱.۳ تعریف

یادگار پرستی اجساد^۵ انحراف جنسی است که مبتلایان به آن لذت جنسی خود را فقط از طریق تماس جنسی با اجساد و مردگان کسب می‌کنند. این پدیده از دوران گذشته در بین برخی از اقوام و ملل به خصوص مصریان رواج داشته است. یادگار پرستی اجساد گاه مرده را نزد خود نگه می‌دارد و مرتباً به آن نگاه می‌کند، حتی می‌بوسد یا با آن رابطه جنسی برقرار می‌کند. بعضی از افراد مبتلا به این انحراف جنسی میل دارند، جسد مرده را در حین عمل جنسی و یا پس از آن مثله و پاره پاره کنند. این افراد را «نیکروفیلیا سادیست^۶» گویند. [ستوده و همکاران، ۱۳۹۲].

۲.۳ سبب شناسی

در این که چه عواملی نابهنجاری‌های جنسی را به وجود می‌آورند؟ دو مکتب روان‌پویشی و زیستی با مساله نابهنجاری به کشمکش پرداخته‌اند.

۱.۲.۳ مکتب روان‌پویشی

به اعتقاد فروید، مفاهیم تثبیت، نیروگذاری در موضوع و انتخاب موضوع جنسی تلاش‌هایی هستند برای توصیف و توجیه این نکته که چگونه برخی موضوعات برای برخی افراد سرشار از جذابیت شهوانی می‌شوند. نیروگذاری روانی اشاره دارد به شارژ کردن یک موضوع خنثی با انرژی روانی مثبت یا منفی. در مورد نیروگذاری روانی مثبت، شهوت، یا سابق جنسی، جذب موضوع شده و این موضوع دوست داشتنی می‌شود. در مورد نیروگذاری روانی منفی، موضوع ترسناک می‌شود. به طور کلی در دیدگاه روان‌پویشی اعتقاد بر آن است که نابهنجاری‌های روانی نیروگذاری شده، همانند موضوعات دیگر تمایل جنسی از سه ویژگی برخوردارند:

۱.۱،۲،۳ آن‌ها از تجربه^۱ کودکی آغاز می‌شوند.

۲.۱،۲،۳ آن‌ها در برابر تغییر، به ویژه تغییر منطقی، مقاومت می‌کنند.

۳.۱،۲،۳ آن‌ها معمولاً در طول زندگی ادامه می‌یابند.

دیدگاه روان‌پویشی برای این که منشا علاقه^۲ بدن نما را توجیه کند، به توصیف نیروگذاری روانی اکتسابی قناعت می‌کند. اما این دیدگاه این واقعیت را شرح می‌دهد که برای کلیه^۳ این افراد، انتخاب موضوع جنسی‌شان وسیله‌ای برای یک هدف

۱. Coprophilia
۲. Urophilia
۳. Mysophilia
۴. Zoophilia
۵. Necrophilia
۶. Sadism Necrophilia

نیست بلکه خود هدف است، این موضوع جنسی پایدار است، و از دلیل و برهان تبعیت نمی‌کند. نیروگذاری روانی توضیح نمی‌دهد که چگونه این اتفاق می‌افتد. حال برای پی بردن به علل مطروحه می‌توان به دیدگاه زیستی مراجعه نمود و علت را در آن بازیابی کرد. [روزنهنان، سلیگمن، ۱۳۹۲].

۲،۲،۳) مکتب زیستی

هیپوتالاموس بخشی از مغز است که در زیر تالاموس و مجاورت کف بطن سوم و بالای غده هیپوفیز قرار دارد و خود دارای هسته‌های خاکستری متعددی است که مشهورترین آن‌ها هسته‌های پشتی شکمی، پیش بصری، فوق بصری و اجسام پستانی است. این هسته‌ها در تنظیم اعمال متعددی مانند درجه حرارت بدن، گرسنگی، سیری، تشنگی و رفتار جنسی شرکت دارند. با استفاده از میکروالکترودهای فلزی کار گذاشته شده در نواحی مختلف هیپوتالاموس جانوران و تحریک آن‌ها می‌توان واکنش‌های مربوط به رفتارهای هیجانی را در حیوان مشاهده کرد.

برای مثال تحریک نواحی خاکستری اطراف قنات سیلویوس در مغز میانی باعث رنج و بروز واکنش‌های دفاعی مربوط به خشم می‌گردد. تحریک نواحی مختلف بادامه‌ها که هسته‌هایی در عمق بخش جلویی لوب‌های گیجگاهی و بخشی از دستگاه کناری هستند باعث بروز پاسخ‌های هیجانی مانند فرار، خشم، شادی، درد و حرکات مربوط به رفتار جنسی اعم از یادگار پرستی اجساد نیز می‌شود [حائری روحانی، ۱۳۹۲].

۴) جرایم علیه مردگان

۱،۴) تعریف

قاعده احترام به اموات در حقوق اسلام و سایر کشورها قاعده‌ای مسلم و شناخته شده است. در دین مبین اسلام قاعده «حرمة المیت کحرمة الحی» قاعده‌ای است که نشانگر اهمیت و اعتبار اجساد و احترام به آنان است که احترام مردگان را چون احیاء دانسته. [آقائی، ۱۳۸۵]

جنایت در اصطلاح حقوق جزا اسلامی هر نوع صدمه و هدم که به جسم و جان آدمی وارد کنند. [شاملو احمدی، ۱۳۸۰]

جنایت بر جسد مرده مسلمان را گویند که به طریق بریدن سر و قطع یا نقص سایر اعضا و جوارح صورت گرفته باشد. که این جنایات از حیث مادی و معنوی مورد بررسی قرار می‌گیرند.

۲،۴) جرائم علیه حیثیت مادی مردگان (رکن قانونی و مادی)

۱،۲،۴) سرقت

سرقت‌هایی که در ارتباط با مردگان است عبارتند از:

سرقت کفن، سرقت اموال و اجزای دفن شده با میت، سرقت جسد یا اجزای بدن مرده، سرقت دندان طلای مرده. اگر کفن سرقت شود با رعایت شرایط سرقت حدی، سارق به حد محکوم می‌شود. [آقائی، ۱۳۸۵]

۱،۱،۲،۴) سرقت اموال

در مورد سرقت اموال و اجزای دفن شده با مرده؛

قبر حرز متناسب برای اموال دفن شده در کنار میت نمی‌باشد، که با داشتن سایر شرایط سرقت حدی، بتوان دست سارق را قطع نمود.

مجازات سارقین، اموال دفن شده در کنار مرده قطع دست نمی‌باشد. زیرا حتی اگر اموال را برای ورثه بدانیم، می‌توان گفت که اموال اعراض شده محسوب می‌شود و جزء اموال دولتی است و سرقت حدی نیست ولی سرقت تعزیری مصداق دارد. در مورد دندان طلای مرده؛ نبش قبر و سرقت دندان طلا نمی‌تواند موجب حد شود بلکه موجب تعزیر برای مجرم می‌شود. (ماده ۶۳۴ ق. م. ا مصوب ۱۳۷۰). [آقائی، ۱۳۸۵]

۲،۱،۲،۴) سرقت جسد و اجزای بدن

در مورد سرقت جسد یا اجزای بدن مرده؛ جسد انسان مال است، قابل خرید و فروش است، ارزش اقتصادی و معنوی دارد، می‌تواند موضوع جرم سرقت واقع شود و اگر شرایط سرقت حدی را داشت قطع دست و الا تعزیر می‌شود. [آقائی، ۱۳۸۵]

۲،۲،۴) مثله کردن

در جرم مثله کردن میت؛ ممنوع بودن مثله کردن در قانون پیش‌بینی شده؛ ولی مجازاتی را ما در این خصوص نمی‌بینیم مگر گفته شود که دیه که در این خصوص آماده (ماده ۴۹۴ ق.م.ا مصوب ۱۳۷۰) مجازات محسوب می‌شود. اما همانطور که می‌دانیم دیه ذو وجهین است و باید علاوه بر ماده ۴۹۴ ق.م.ا که دیه‌ای را معین کرده، مجازات سنگین را در این خصوص برای مجرمین قابل شویم و صرف دیه کافی نیست. [آقائی، ۱۳۸۵]

در ماده ۲۶۳ ق.م.ا مصوب ۱۳۷۰ آمده است:

«قصاص با آلت کند و غیر برنده که موجب آزار مجرم باشد ممنوع و مثله او نیز جرم است.»

ضمانت اجرای این ممنوعیت را تنها در ماده ۴۹۴ ق.م.ا می‌توان یافت. [آقائی، ۱۳۸۵]

در برخی از جرائم مذکور تعارض با حقوق افراد دیگر باعث می‌شود که این جرائم مباح شوند مثلاً بودن فرزند در شکم مادر مرده و یا بلعیدن طلا و یا الماس که متعلق به دیگری است و مرگ شخص که آنها را بلعیده و ذی حق بودن صاحب اموال باعث می‌شود که جرائمی مثل مثله و نبش قبر مباح شوند. پس در مقام تعارض دو حق معمولاً حقوق افراد زنده بخاطر مهمتر بودن مورد تأکید است و بر تحریم جرم بر مرده پیشی گرفته و موجب اباحه در اعمال می‌شوند. [آقائی، ۱۳۸۵]

۳،۲،۴) زنا با مردگان

این عمل را ذهن انسان‌های آگاه بسیار قبیح‌تر و زشت‌تر از زنا با افراد حی می‌داند؛ زیرا فرد مجرم به آن درجه از گستاخی رسیده که به اجساد تجاوز کرده، علاوه بر هتک حرمت میت باعث اذیت و آزار اذهان اقوام و بستگان و اولاد فرد میت شده است. [آقائی، ۱۳۸۵]

۲،۲،۴) مجازات زنا با مردگان

عدم ذکر مجازات زنا با مردگان در قانون ما را ناچار می‌کند که با استعانت از فقه موضوع را حل نماییم. با توجه به اصل ۱۶۷ قانون اساسی با مراجعه به فقه و فتاوی معتبر کیفر زنا با مرده حد بعلاوه تعزیر است، حد بخاطر زنا و تعذیر بخاطر هتک حرمت میت. [آقائی، ۱۳۸۵]

حال اگر با زن مرده چهار بار زنا شود در بار چهارم پس از اجرای مجازات در هر دفعه مجازات مرتکب زنا قتل است خواه هر چهار بار با زن مرده باشد یا سه دفعه با زنده و دفعه چهارم با مرده باشد. [محمدی، ۱۳۶۷]

۱،۲،۲،۴) نزدیکی مرد با زن مرده خویش

اگر کسی زن مرده خویش را وطی هر چند فعل حرامی را مرتکب شده ولی زنا نکرده و کیفر زنا بر او جاری نمی‌شود. زیرا زن با مردنش از زوجیت بیرون نمی‌رود و لذا شوهرش می‌تواند او را غسل دهد. [حسینی نژاد قمی، ۱۳۸۶]

۲،۲،۲،۴) لواط و تفخیز با مردگان

بر طبق روایاتی که حرمت میت را مانند حرمت حی می‌داند کیفر لواط کار با مرده همان کیفرهایی است که برای افراد زنده در قانون پیش‌بینی شده است. ولی بخاطر قبح بیشتر عمل و هتک حرمت میت، تعزیر نیز لازم می‌آید. [آقائی، ۱۳۸۵]

۳،۲،۴) نبش قبر

طبق ماده قانون ۶۳۴ ق.م.ا نبش قبر جرم است و مجازات آن حبس از سه ماه و یک روز تا یکسال می‌باشد. هرگاه جرم دیگری نیز با نبش قبر مرتکب شده باشد به مجازات آن نیز محکوم می‌شود. مگر در مواردی که نبش قبر جایز باشد.

۳،۴) جرائم علیه حیثیت معنوی مردگان

۱،۳،۴ قذف

در قذف چون شرط زنده بودن ملحوظ نشده و عموم آیات و روایات و اجماع فقهاء نیز حد قذف را بر کسی که مرده‌ای را قذف نماید، تجویز نمود، پس می‌توان قذف مرده را نیز امکان پذیر دانست. بنابر این باید کلیه شرایط مربوط به قاذف و مقذوف و لفظ قذف رعایت گردد تا بتوان حد تازیانه را بر قاذف جاری کرد. [آقائی، ۱۳۸۵]

اگر مقذوف مرده باشد حق قذف به ورثه می‌رسد. قذف مرده لکه ننگی است برای خانواده و ورثه میت و چون خانواده هم دچار ضرر و زیان شده است به همین علت است که علاوه بر حد قذف ممکن است که قاذف تعذیر نیز بشود. [آقائی، ۱۳۸۵]

۲،۳،۴ قذف زن مرده توسط شوهر

ماده ۱۵۰ ق. م. ا مصوب ۱۳۷۰ مقرر می‌دارد:

«هرگاه مردی همسر متوفی خود را قذف کند و آن زن جز فرزند همان مرد وارثی نداشته باشد، حد ثابت نمی‌شود، اما اگر آن زن وارثی غیر از فرزند همان مرد داشته باشد حد ثابت می‌شود.»

۳،۳،۴ توهین و افتراء

مطابق بند ۱۲ از ماده ۱ آئین نامه امور خلافی مصوب ۱۳۲۴/۵/۲۲ ناسزا گفتن و اهانت به مردگان در ملاء عام بر خلاف شعائر یا آداب ملی، موجب حبس از دو تا پنج روز و تأدیبه گرامت می‌گردد.

به عقیده اکثر حقوقدانان ماده ۶۰۸ ق. م. ا مصوب ۱۳۷۰ شامل توهین به مرده نمی‌شود مگر اینکه عرفاً هتک به مرده هتاک به بازمانده محسوب شود. [میر محمد صادقی، ۱۳۹۳] وراثت می‌تواند به خاطر توهین و افتراء که به مرده آنها شده و بخاطر توهینی که به خود آنها شده اقامه دعوا و ادعای خسارت نمایند. [آقائی، ۱۳۸۵] در جرائم خاص مثل قذف و توهین اگر این جرائم بر روی شخصیت‌های خاص انجام شود که جنبه سیاسی آنها نیز مد نظر است باید بین شخصیت حقیقی و حقوقی آنها تفکیک قائل شد. [آقائی، ۱۳۸۵]

۴،۴ دیه جنایت بر مرده

ماده ۴۹۴ ق. م. ا مصوب ۱۳۷۰ مقرر می‌دارد:

«دیه جنایتی که بر مرده مسلمان واقع می‌شود به ترتیب زیر است:

الف) بریدن سر یکصد دینار

ب) بریدن هر دو دست یا هر دو پا یکصد دینار و بریدن یک دست و یک پا پنجاه دینار و بریدن یک انگشت از دست یا یک انگشت از پا ده دینار و قطع یا نقص سایر اعضا و جوارح به همین نسبت ملحوظ می‌گردد.

تبصره: دیه مذکور در این ماده به عنوان میراث به ورثه نمی‌رسد بلکه مال خود میت محسوب شده و بدهی او از آن پرداخت می‌گردد و در راه‌های خیر صرف می‌شود.»

۱،۴،۴ مبنای تشریح دیه

بازماندگان متوفی از باب جنایات واقع شده بر متوفی خسارت مالی متحمل نشده‌اند و چیزی از دست نداده‌اند که از دیه متوفی سهمی ببرند. اما از این باب که جنایت واقع شده بر متوفی بی‌پاسخ گذاشته نشود مقرر شده است مبلغی مشخص از مجرم اخذ و به مصرف امور خیریه برسد تا ثواب آن برای متوفی محفوظ بماند. [شفیعی سروستانی، ۱۳۷۶]

۲،۴،۴ اطلاق ماده

فرقی نمی‌کند که جنایت وارده بر مرده مسلمان عمدی باشد یا غیر عمدی و در صورت جانی محکوم به پرداخت دیه خواهد شد. کلمه مرده از حیث زن یا مرد بودن مطلق است. [حجتی، ۱۳۸۴]

۳،۴،۴ سوزاندن بدن میت

طبق نظریه مشورتی ۲۷۰۰ / ۷ - ۸ / ۴ / ۱۳۷۷ سوزاندن بدن میت مشمول ماده ۴۹۴ ق. م. ا می‌باشد.

به موجب تبصره سه ماده واحد قانون پیوند اعضای بیماران فوت شده یا بیمارانی که مرگ مغزی آنان مسلم است مصوب ۱۳۷۹/۱/۱۷ پزشکان عضو تیم پیوند اعضا از جهت جراحات وارده به میت مشمول دیه نخواهند شد. [محشای قانون مجازات اسلامی، ۱۳۹۳]

۵،۴ تحلیل

۱،۵،۴ رکن معنوی

در رکن معنوی جرایم علیه مردگان ذکر دو نکته مهم می‌نماید:

- ۱) این جرم از جرایم مقید به حصول نتیجه است. لذا مطلق نمی‌باشد.
- ۲) این جرایم از جرم عمدی تلقی می‌شود در نتیجه وجود سوء نیت خاص در مرتکب جرم ضروری می‌نماید. بنابراین افعال یادگار پرست اجساد، که در قالب جرایم علیه مردگان انجام می‌پذیرد به واقع در صورت داشتن شرایط لازم از ماده ۱۴۹ ق.م.ا و تایید مرجع پزشکی قانونی می‌تواند از مصادیق علل رافع مسئولیت کیفری نیز واقع شود.

۵) جرم شناسی

۱،۵ تعریف

جرم شناسی شاخه‌ای از علوم اجتماعی است که در آن جرم، مرتکبان آن، نهادهای کنترل کننده و سازمان‌های اصلاح کننده مورد بحث قرار می‌گیرند. به بیان دیگر جرم شناسی علم مطالعه جرم و پدیده جنایی است.

امیل دورکیم^۱ در تعریف جرم شناسی می‌گوید: «اعمالی در جامعه وجود دارد که وقوع آن‌ها در خارج وجدان جمعی را آزرده می‌کند و در صورت ارتکاب این اعمال، اجتماع نسبت به آن‌ها عکس العملی به نام مجازات نشان می‌دهد. ما این رفتار اجتماعی را در یک طبقه واحد قرار داده و به آن عنوان مشترکی به نام جرم می‌نهیم و بررسی آن را موضوع دانش خاصی به نام جرم شناسی قرار می‌دهیم [نجفی توانا، ۱۳۹۳].

پیناتل^۲ به کلیه دانش‌هایی که جرم و مجرم را از نظر علمی مورد شناسایی قرار می‌دهد توجه دارد و به آن‌ها اهمیتی

یکسان می‌دهد و معتقد است که بدون همکاری بسیاری از علوم دیگر مانند زیست شناسی جنایی، روان شناسی، جامعه شناسی که با جرم شناسی مرتبط بوده و بستگی بسیار نزدیک دارد شناخت بزه و بزهکار مسیر نخواهد بود. و بالاخره آرتور ربر^۳ جرم شناسی را علمی می‌داند که از پیوند قانون، جامعه شناسی، روان شناسی و پزشکی حاصل می‌شود و جرم و مجرم را مطالعه می‌کند.

۲،۵ تبیین جرم شناسی جنایت بر مرده

۱،۲،۵ پیشگیری

بزهکاران قبل از ارتکاب عمل مجرمانه، انسان‌هایی هستند بهنجار و عادی؛ ولی وجود شرایط غیر مناسب باعث می‌شود که افراد در ورطه هولناک بزهکاری و کجروی بیافتند و به طور عمد به صورت ناآگاهانه و اتفاقی سقوط نمایند. برخورد با پدیده بزهکاری با سلاح کیفر، واکنش موفقیت آمیز نبوده است. اصولاً مبارزه با معلول بدون توجه به علت، در نهایت اقدام مفید و نتیجه بخشی نخواهد بود.

۱. Emile Durkheim

۲. Pinatel

۳. Arthur reber

اگر مدیران یک کشور به درجه‌ای از تعالی فکری برسند که به جای صبر کردن و در کمین نشستن تا جرمی اتفاق بیافتد و مرتکب تحت تعقیب قرار گیرد، هم خود را وقف پیش‌گیری از وقوع جرم نموده و با صرف هزینه‌هایی سیاست کلی جامعه را مبنایی بر پیشگیری قرار دهند، بی شک منصفه بسط و ظهور جرایم علیه مردگان نادر خواهد شد، و بدین سبب، شرایط لازم جهت گسترش و رشد افراد فراهم خواهد آمد. همچنین اگر سیاست‌های جامعه در مسیر رفع کمبودها و نیازهای افراد همت گمارد، بی گمان خواهد توانست از رشد کمی و کیفی جرایم در جامعه جلوگیری نموده، و پدیده بزهکاری را مهار نماید.

۲.۲.۵) حالت خطرناک

رویکرد جرم‌شناسی در راستای شناخت جرم، توجه و هم‌خویش را صرفاً به شناخت فعل ارتكابی مهمم نمی‌کند. لذا علل و عوامل تامه‌ای که دخالت خویش را به معلول داخل نمودند را مورد بررسی قرار می‌دهد. با طرح مفهوم حالت خطرناک برای اولین بار توسط گارفالو^۱ با تدوین مقاله و کتابی بین سال‌های ۱۸۷۸-۱۸۸۵ میلادی وارد جرم‌شناسی گردید، وی با بیان مفهوم ظرفیت جنایی و ناسازگاری اجتماعی، اندازه ناسازگاری اجتماعی و جامعه‌پذیری فرد به موضوع حالت خطرناک پرداخت. [نیاز پور، ۱۳۸۴].

در سال ۱۹۱۰ مجمع بین‌المللی حقوق کیفری برای نخستین بار به بررسی مفهوم حالت خطرناک در سطح بین‌المللی پرداخت [قاسمی، ۱۳۷۴]. فن لیست^۲ در خصوص حالت خطرناک بیان می‌دارد: «هرگاه وضعیت روحی و جسمی مجرم نشان دهد که اجرای کیفر به تنهایی نمی‌تواند در بازداشتن احراز ارتکاب بزه موثر باشد آن شخص دارای حالت خطرناک است و حتی زمانی که فرد جرمی را هم مرتکب نشده باشد این حالت می‌تواند در او وجود داشته باشد»

ایراد و تلفیق جرایم علیه مردگان با مباحث جرم‌شناسی از اهمیت و جایگاه ویژه‌ای برخوردار خواهد بود. چرا که اگر به ماده ۱۵۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ هم عنایت کنیم [منصور، ۱۳۹۲]، خواهیم دید مفهوم حالت خطرناک را که استفاده از ترکیب مبادی مذکوره نیز می‌باشد در نظر قانون‌گذار، مهم جلوه نموده، و در نهایت اثر آن را در اقدامات پیش‌گیری در جرایمی که به واسطه اختلالات روانی جنسی همچون یادگار پرستی اجساد به وادی عمل رسیده است مجری خواهد نمود.

۳.۲.۵) بزهکار اتفاقی

برخی از انواع بزهکاری به اعمالی اطلاق می‌گردد که مرتکب بدون داشتن ویژگی یک تبهکار، به طور اتفاقی و تصادفی و در اثر وجود شرایط خاص و فشارهای خارجی یا داخلی که امکان فرار از تاثیرات آن برای یک فرد عادی امری مشکل است، به ارتکاب عمل دست می‌زند. مرتکبین این‌گونه جرایم عمدتاً در زندگی اجتماعی افرادی سازگار بوده و با هم‌نوعان خود تفاوت چندانی نداشته و در اجتماع دارای هنجارهای مطابق با موازین و اخلاق عمومی هستند. اینان در انجام عمل بزهکارانه معمولاً فاقد اوصاف یک بزهکار، بر مبنای معیارهای جرم‌شناسی می‌باشند. ارتکاب جرایم توسط اینان در این دسته بزهکاران بیش‌تر ناشی از احوال خاص می‌باشد تا استعداد و ابتکارات بزهکارانه. بزهکاران اتفاقی همان طوری که پیناتل می‌نویسد: «تمایل به ارتکاب بدی ندارند و انگیزه آنان در ارتکاب بزه مقتضیات خارجی است... ارتکاب بزه اتفاقی آنان مخصوصاً ناشی از عدم پیش‌بینی است».

بزهکاران اتفاقی را مرتکبین جرایم غیر عمدی، اشخاصی که از روی جهالت و ناشی‌گری، غفلت، تصادف، شبهه موضوعی، اعمال حق، انجام وظیفه، دفاع مشروع یا ضرورت و اضطرار مرتکب جرم می‌گردند تشکیل می‌دهند. یادگار پرستی

۱. Garofalo

۲. Fen list

اجساد با استناد به اسباب عللی و مبادی جرم شناسی، جزء مجرمین اتفاقی واقع می‌شود. حال با تطبیق آموزه‌های حقوقی جرم شناسی و ایراد و بهره و تدخیل آن با روانشناسی، رسیدن به جایگاهی را دنبال خواهد داشت که جرم شناسی را همانند خویش به جایگاه درمان بزهکار رسانده و بدین سبب اقدامات تامینی و تربیتی، اصلاح، پیش‌گیری و ... در مسیر اهداف یاد شده ایراد شود و نهایتاً غایت از اجرای مجازات را نه صرف مجازات؛ بلکه دوباره برگرداندن فرد به آغوش جامعه تلقی نماید.

نتیجه گیری

یادگار پرستی اجساد از جمله اختلالات جنسی تلقی می‌شود که عملکرد ایشان می‌تواند در قالب جنایت علیه مردگان متجلی شود. اسباب و عللی که باعث ظهور یادگار پرستی اجساد می‌شود در دو رویکرد مورد ابراز قرار گرفته که در اولی رویکرد روان‌پویشی، در اظهار مفاهیمی همچون تثبیت، نیروگذاری در موضوع، و انتخاب موضوع جنسی را مطرح؛ و لکن این رویکرد بر چگونگی شکل‌گیری این رفتار اقامه ادله نمی‌کند، بنابراین جهت ارائه دلیل، رویکرد زیستی در همین راستا علل فیزیولوژی را علت بروز اینگونه رفتارها می‌داند.

در تطبیق آموزه‌های حقوق و جرم‌شناسی و تبیین آن با روانشناسی در باب جرایم علیه مردگان که متجلی در فعل یادگار پرستی اجساد است، سه عامل را مقرون اهداف مطروحه می‌نماید:

- ۱) پیشگیری: که اتخاذ سیاست جنایی متناسب، برای جامعه عمل پوشیدن آن مهم می‌نماید.
- ۲) حالت خطرناک: که طرح این مفهوم در شناسایی علل جرم از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.
- ۳) مجرمین اتفاقی: که بر اثر عوامل خاص وقوع مجرمیت بدان وابسته می‌شود.

منابع

- ۱) آقائی، مجید (۱۳۸۵). جرائم علیه مردگان در حقوق کیفری ایران: تهران: میثاق عدالت.
- ۲) جهانگیر، منصور (۱۳۹۲). قانون جدید مجازات اسلامی: تهران: دیدار.
- ۳) حائری روحانی، سید علی (۱۳۹۲). فیزیولوژی اعصاب و غدد درون ریز: قم: گل‌ها.
- ۴) حجتی، سید مهدی (۱۳۸۴). قانون مجازات اسلامی در نظم حقوق کنونی: تهران: میثاق عدالت.
- ۵) حسینی نژاد قمی، صادق (۱۳۸۶). قوانین کیفری در حدود، قصاص و دیات در اسلام: قم: انتشارات مطبوعات دینی.
- ۶) روزنهان، دیوید ال و سلیگمن، مارتین. آسیب شناسی روانی، ترجمه: یحیی سید محمدی (۱۳۹۲). تهران: ارسباران.
- ۷) ستوده، هدایت‌الله؛ میرزایی، بهشته و پازند، افسانه (۱۳۹۲). روان‌شناسی جنایی: تهران: آوای نور.
- ۸) شاملو احمدی، حسین (۱۳۸۰). فرهنگ اصطلاحات و عناوین جزائی: اصفهان: دادیار.
- ۹) شفیعی سروستانی، ابراهیم (۱۳۷۶). قانون دیات و مقتضیات زمان: تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک ریاست جمهوری.
- ۱۰) قاسمی، ناصر (۱۳۷۴). اقدامات تامینی و تربیتی در حقوق کیفری ایران: تهران: میزان.
- ۱۱) کوئن، بروس. مبانی جامعه‌شناسی. ترجمه: دکتر غلام عباس توسلی، دکتر رضا فاضل (۱۳۹۱). قم: گل‌ها.
- ۱۲) گلدوزیان، ایرج (۱۳۹۳). محشای قانون مجازات اسلامی: تهران: مجد.
- ۱۳) محمدی، ابوالحسن. حقوق کیفری اسلام. ترجمه: حدود، قصاص، دیات و تعزیرات شرایع الاسلام محقق حلی و مسالک الافهام شهید ثانی (۱۳۶۷). تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- ۱۴) میر محمد صادقی، حسین (۱۳۹۳). جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی: تهران: میزان.
- ۱۵) نجفی توانا، علی (۱۳۹۳). جرم‌شناسی: تهران: آموزش و سنجش.
- ۱۶) نیازپور، امیرحسین (۱۳۸۴). بزهکاری به عادت و پیش‌گیری از آن، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه بهشتی.